آغاز شمارش معكوس؛ اوج اقتدارايران و حضيض ذلت دشمنان

آغاز شمارش معكوس؛ اوج اقتدارايران و حضيض ذلت دشمنان

سيد عيسي حسيني مزاري

در آستانه سي و سومين سالروز پيروزي انقلاب اسلامي ايران، مطالعه اوضاع داخلي ايران وشرايط جهاني نشان مي دهد كه برخلاف هياهو ها وصحنه سازي هاي دشمنان، حركت جمهوري اسلامي ايران روبه پيشرفت ودرحال پيمودن قله هاي ترقي وتعالي و رسيدن به اوج اقتدار درعرصه هاي مختلف است و دشمنان آن، سير نزولي درپيش گرفته، مي روند تا در حضيض ذلت قراربگيرند.

البته دشمنان آرام نيستند و نمي گذارند تا اين واقعيت براي عموم مردم چهره بنمايانند و اين اعتقاد درميان توده ها هويدا گردد كه ايران اسلامي، دراثر مجاهدت رهبري ومردم آن، مي رود تا نتايج دسترنج ملت خود را برداشت نموده، به عنوان يک قدرت مطرح جهاني عرض اندام نمايد، و لذا تمام تلاش خود را براي وارونه نسان دادن اوضاع در ايران به كار گرفته است.

آنچه كه دشمن به دنبال آن است اين است كه اين تصور را در اذهان عمومي جهان ايجاد نمايد كه فشارهاي متعدد عليه جمهوري اسلامي ايران، به مراتب از هر زمان ديگري، بيشتر گرديده و بر اثر تداوم آن، نظام جمهوري اسلامي ايران، رو به ضعف نهاده و درنتيجه، اين احتمال را قوت مي بخشد كه يک حمله سهمگين و خشونت بار از بيرون و برخي تنشها و نابسامانيها از داخل، مي تواند كاراين نظام را يكسره نمايد.

اين ذهنيت به خصوص براي كساني ايجاد مي شود كه يا عمر آنان كفاف آن را نمي دهد كه به گذشته برگردند و حوادث ايجاد شده داخلي وبين المللي مرتبط با ايران اسلامي را به بررسي بنشينند و يا اينكه در زمره نا آگاهان بوده، نگاهي به عمق نداشته، فقط به سطح مسايل، ديد گذرا و عوامانه مي اندازند.

دراين صورت قطعي به نظر مي رسد كه چنين افراد واشخاصي از وجود اوضاع فعلي ايران چه در داخل و چه در خارج نگران باشند.

اما مطالعه وضعيت سي وسه سال گذشته ايران و دشمنان منطقه اي و بين المللي آن به ويژه آمريكا وانگليس، نشان مي دهد كه اوضاع برعكس بوده و ايران اسلامي به مراتب قوي تر از سي و سه سال پيش است و دشمنان آن، به مراتب ضعيف از قبل بوده و اكنون اين ايران اسلامي است كه در بهترين وضعيت ممكن قرار دارد.

براي بررسي اين حقيقت، فقط كافي است كه نگاهي هرچند گذرا به وضعيت داخلي ايران و قدرت تاثيرگذاري انقلاب اسلامي آن درمنطقه وجهان و اوضاع عمومي دشمنان ايران افگنده شود، آنگاه نتيجه اي كه خواهيم گرفت همان حقيقتي است كه دربالا ذكر شد.

وضعيت داخلي ايران:

الف: ضعف ايران و قدرت دشمنان دردهه اول انقلاب

مقايسه دهه اول ايران پس از پيروزي انقلاب اسلامي با دهه چهارم، به خوبي اين حقيقت را آشكار مي سازد كه ايران كنوني يک صدم مشكلات دهه اول پس از پيروزي را ندارد. چه اينكه جمهوري اسلامي ايران در دهه اول، علاوه براينكه نظامي نو پا بود و حاكميت هنوز از استقرار و استحكام لازم برخوردار نبود و نيز انقلابيون از تجربيات خوبي بهره نداشتند و جريان ها، احزاب و گروه هاي غير اسلامي هم درصفوف انقلابيون مسلمان از حضور برجسته اي برخوردار بودند، و خود خطري مهم براي نظام اسلامي محسوب مي شدند، آغاز جنگ تحميلي عراق عليه خود را شاهد بود.

دراين نبرد، تنها عراق نبود كه عليه ايران وارد جنگ شده بود، بلكه تمام قدرتهاي شرقي وغربي با تمام سازو برگ نظامي، سياسي، فرهنگي ورسانه اي، در كنار عراق و عليه ايران حضور داشتند.

نا امني هاي داخلي، ترورهاي كور شخصيت ها و حتي دست اندركاران اصلي نظام چون اعضاي حزب جمهوري

اسلامي، رئيس جمهور و نخست وزير، آيت ا مطهري، آيت ا مفتح، آيت ا صدوقي، آيت ا اشرفي اصفهاني، شهيد هاشمي نژاد و ده ها وصدها تن از نيروهاي انقلابي و حتي مردم عادي، تجربه ديگري بود كه ايراني ها دردهه اول پشت سرگذاردند.

غائله كردستان، ناآرامي هاي اقوام وطوايف مرزي و تحركات تخريبگرانه گروهک هاي فداييان خلق و كومله و.. از ديگر مشكلات پيش روي نظام اسلامي در دهه اول پيروزي انقلاب بود.

كودتاي نوژه، عمليات آمريكايي ها عليه پايتخت كشور كه در صحراي طبس با امداد غيبي مواجه گرديد و به شكست مفتضحانه روبرو شد، هدف قرار گرفتن هواپيماي مسافربري ايران برفراز خليج فارس توسط ناو جنگي آمريكايي، تحريمهاي پياپي ايران از سوي كشورهاي غربي به ويژه آمريكا كه تاكنون نيز ادامه دارد از ديگر معضلات نظام اسلامي بود.

موارد ياد شده نمونه هاي بسيار كوچک مشكلات ومعضلات گريبانگير جمهوري اسلامي ايران در آن دوره بود و بدين ترتيب، ديده مي شود كه ايران، در دهه اول پس از پيروزي، در چه موقعيتي قرار داشت.

اما از آن طرف، دشمنان نظام در نهايت قوت وقدرت قرارداشته و از هرگونه امكانات اقتصادي، نظامي، سياسي و رسانه اي و از حكومت هاي چندين دهه اي ظاهرا باثبات نيز برخورداربوده اند. ولي با آن هم نه تنها كوچترين انحرافي درمسير روبه پيشرفت انقلاب وارد نتوانستند كه خود، روز به روز با شكست مفتضحانه مواجه گرديدند.

ب: اقتدار ايران و ضعف دشمنان دردهه چهارم انقلاب

اما امروز جمهوري اسلامي ايران با سپري شدن سي وسه سال ازعمر آن، استقرار و استحكام بيش ازپيش پيدانموده، انقلابيون ودست اندركاران آن از تجربه كافي حكومت داري ومديريت كلان جامعه بهره مندشده، نه تنها بسياري از مشكلات دهه اول را ندارد كه با استفاده از تضييقات اقتصادي ناشي ازتحريم ها، به پيشرفت هاي خارق العاده اي هم دست يافته است.

ايران اسلامي ازنظر سياسي، امروزه در سطح بالايي از فعاليت و حضور در داخل و خارج قرار دارد و با فاصله گرفتن از حالت انفعال، سياست فعال و تهاجمي را در پيش گرفته و از روابط گسترده ديپلماتيک برخوردار است و ازبركات اين روند است كه ايران، دوستان زيادي در سطح جهان دست و پا نموده، به نحوي كه امروزه حضورايران در كشورهاي آمريكاي لاتين ـ يعني حياط خلوت آمريكاـ گوياي همين سياست فعال وپوياست.

دربعد اقتصادي نيز ايران سير خودكفايي را به سرعت طي نموده و مي رود كه وابستگي هاي اندک باقي مانده را نيز پشت سر بگذراند.

از نظر نظامي، نه تنها در منطقه كه در سطح دنيا، حرف بسياري براي گفتن دارد و هم اكنون اين كشور در توليد برخي محصولات نظامي در جمع چند كشور برتر و محدود دنيا قراردارد. ايران در صنعت هوا فضا پيشرفت حيرت انگيزي داشته به گونه اي كه تنها كشور اسلامي است كه بارها به فضا ماهواره فرستاده است و درصنعت و تكنولوزي و به ويژه در زمينه نانو تكنولوژي و ... نيز رشد چشمگيري داشته است.

ترقي و ورود جمهوري اسلامي ايران به عرصه انرژي هسته اي هم كه حاجت به گفتن ونوشتن ندارد، چرا كه دنيا را به حيرت و شگفتي واداشته است،

در فنون سدسازي، راه و ساختمان و شهرسازي نيز ايران دست بالايي پيد انموده است، اما از همه اين دستاورد ها مهمتر، نيروي نظامي قدرتمند ايران درقالب سپاه، ارتش و بسيج مردمي و ايجاد كادر مديريتي نيرومند در صحنه هاي اداره كلان كشور، چه از قشر دانشگاهي و چه از طلاب و علماي حوزه علميه است كه ايران اسلامي را از اين نظر، به يک قدرت جهاني تبديل نموده است.

اين در حالي است كه حضور مردم هم درصحنه هاي حمايت از اين نظام، بيش ازگذشته به نظر مي رسد، كه به عنوان مثال مي توان از حضور پرشور مردم ايران در تظاهرات نهم جدي سال 88 در شهرهاي مختلف ايران و به ويژه در تهران نام برد، تظاهراتي كه در آن، جمعيتي چند ده مليوني به خيابان ها ريختند به گونه اي كه حتي از فضاي مشرف بر شهر ها ازطريق بالگردها، در پهنه لنز دوربين هاي قوي هوايي نيز نمي گنجيدند و زبان نيز از شمارش وتعريف آن قاصر است.

پس نتيجه اينكه ايران اسلامي نه تنها مشكلات گذشته را در مقابل خود ندارد كه در همه عرصه ها، قدرتمندتر از هميشه بوده و در محوريت همه اين توانمندي ها، وجود و حضور خداي متعال و توجه ائمه معصومين(ع) نيز كاملا محسوس ومشهود است.

در اين ميان و با وجود همه موارد و معيارهاي ذكرشده، رهبري قدرتمند، مدير، مدبر، حكيم و توانا در راس هرم همه مجموعه ها و تشكلات مردمي، سياسي، نظامي واقتصادي قراردارد، كه روند روبه پيشرفت اين كشور را چند و چندين برابر ساخته است.

قدرت يافتن نظام اسلامي در ايران درحالي است كه دشمنان ايران، آن اقتدار دهه اول انقلاب را ندارند. بلوک شرق به زباله دان تاريخ افگنده شد و حتي بازمانده هاي آن در روسيه نه تنها سر ستيز و مخالفتي با ايران ندارند كه گاه و بيگاه، هم نظر و هم خط با جمهوري اسلامي مي گردند، حكومت سياه

طالبان که همواره مزاحمتهايي عليه ايران اسلامي داشت به دست پديدآورندگان شان ساقط گرديد، صدام حسين همراه با همه سواره و پياده نظام خود به تاريخ پيوست، حکومت سکولار و ضد دين و وابسته به غرب و اسراييل تونس سرنگون شد، بزرگترين پايگاه غرب در مصر با سرنگون شدن حسني مبارک ازدست رفت، ديکتاتور يمن فرار کرد و ساير ديکتاتورهاي منطقه هم که وابستگي صددرصد به غرب داشتند، درحال سرنگون شدن مي باشند و علاوه بر اينها، خود کشورهاي غربي نيز با مشکلات عديده اي گرفتارند.

اعتراضات ميليوني مردمي عليه حکام مستبد آمريکا، انگليس وديگرکشورهاي اروپايي، وجود فشارهاي اقتصادي در حد ورشکستگي بسياري از بنگاه هاي اقتصادي دولتي و خصوصي اين کشور ها، بحران هاي مالي پي در پي، احتمال فروپاشي حوزه يورو و همه وهمه، دشمنان جمهوري اسلامي ايران را در نهايت ضعف قرارداده است.

وضعيت خارجي ايران:

وضعيت ايران را در خارج از اين کشور از چند زاويه مي توان مورد بررسي قرارداد:

الف: انقلاب اسلامي و تاثيرگذاري عمومي

انقلاب اسلامي از بدو پيروزي، تاثيرات شگرفي درسطح دنيا گذاشت، به گونه اي که افکار عامه جهاني را تحت تاثير قرارداد و تحولات بسيار بنيادييني در انديشه هاي بشري ايجادکرد. انقلاب اسلامي، معادله زندگي نويني فرا روي انسان ها قرارداد، به گونه اي که علامتهاي سؤال بسيار جدي در پيش روي آحاد جوامع انساني و حتي غيرمسلمانان گذاشت به گونه اي که علاوه بر ايجاد جرأت و جسارت در ميان توده هاي مختلف جهان جهت ابراز وجود و انعکاس خواسته هاي برحق خود عليه حاکمان استبداد پيشه، زمينه توجه دسته هاي بزرگي را به سوي اسلام فراهم نمود و کار به جايي رسيد که مساجد و مراکز اسلامي در کشورهاي غربي، شاهد حضور افراد و گروه هاي متعددي گرديدند که متقاضي گرويدن به دين اسلام مي شدند.

ب: انقلاب اسلامي و احياي اسلام

انقلاب اسلامي ايران که با "يد" مسيحايي امام روح ا الموسوي الخميني"ره" هدايت و رهبري مي شد و با قدرت شگفت انگيزي به پيروزي رسيد، اسلام را دگر باره احيا کرد و توده هاي مسلمان را متوجه روند جديد زندگي نمود، به نحوي که مسلمانان کشورهاي مختلف اسلامي، درک کردند که آنچه از عمرشان گذشته، در پي تبليغات مسموم دشمن و يا در اثر غفلت و ناباوري از توان دين جهت رهبري جامعه، کاملا

بي حال و بي خيال سپري شده و تحت سلطه بيگانگان، زندگي اسارت باري داشته اند، لذا با تاسي به حركت امام خميني"ره" موج و خروش عجيبي در ميان توده هاي مسلمان در بسياري از كشورهاي اسلامي ايجادگرديد، و اگر چه در بسا مواقع و در برخي از كشورها، اين درک و احساس به زودي رونما نگرديد و تبارز علني و فوري نداشت، اما از جنب و جوش وتحرک زايدالوصف مسلمانها در ميادين مختلف كاملا محسوس بود كه انقلاب اسلامي ايران به رهبري حضرت امام خميني"ره" تاثيربه سزايي روي روحيه و افكار امت اسلامي گذاشته است.

ج: انقلاب اسلامي و ايجاد نهضت هاي اسلامي

انقلاب اسلامي ايران به طور مستقيم اثرات عميقي روي افكار اسلامي مسلمانان جهان گذاشت، به گونه اي كه تحت رهبري هاي داهيانه امام خميني"ره" جبهه و حزب مبارزاتي تشكيل دادند.

مردم مسلمان افغانستان، دقيقا متاثر از اين انقلاب و پيوسته با آن، درصحنه حضور يافتند و تا جايي كه در ميادين نبرد، با شعار ولايت فقيه و رهبري امام خميني"ره" به پيش مي تاختند. در عراق، گروه هاي مختلف اسلامي مرتبط با انقلاب اسلامي ايران تاسيس گرديدند كه در برابر حكومت صدام حسين مي جنگيدند. در فلسطين، مردم اين سامان روح تازه دركالبد مبارزه خود دميده و با الهام از انديشه هاي امام خميني"ره" خود را سازمان دادند و در برابر اسراييل قد بر افراشتند. در لبنان، جوانان شيعه لبناني چنان تحت تاثير انديشه هاي امام خميني"ره" قرار گرفتند كه تاب و توان دشمن آن آب و خاک و بلكه دشمنان اسلام را گرفتند و پس از تاسيس حزب ا قهرمان، چندي نگذشت كه نه تنها لبنان را به ثبات و آرامش رساندند كه بخشهاي زيادي از خاک اشغالي خود را از زير سلطه اسراييل آزاد نمودند.

نهضتهاي اسلامي درافغانستان، عراق، فلسطين و لبنان چنان ضربات سهمگيني بر پيكره دشمن وارد كردند كه رفته رفته باعث به وجودآمدن افتخارات عظيمي به نفع اسلام گرديد.

درافغانستان، شوروي شكست خورد و زمام امور به دست مجاهد مرداني افتاد كه با افكار و انديشه هاي رهبري نظام اسلامي ايران هماهنگ بودند.

در عراق، صدام اعدام شد و مخالفين او و موافقين نظام اسلامي، بر صندلي قدرت تكيه زدند. لبناني ها، در ادامه پيروزيهاي پي در پي خود، درجنگ 33 روزه، پوزه استكبار و استعمار را به خاک مذلت ماليدند و افتخار بزرگي نصيب جهان اسلام نمودند. فلسطيني ها با محوريت سازمان هاي اسلامي به ويژه حماس و جهاد اسلامي، افتخارات پياپي براي اسلام و مسلمان ها كسب كردند تا جايي كه درجنگ 22 روزه ثابت نمودند كه قدرت اسراييل و حاميان آن پوشالي بوده وصرفا با هدف ارعاب مسلمين، بزرگ جلوه داده شده است.

از سوي ديگر ديده مي شود كه دشمنان جمهوري اسلامي ايران، هم اكنون در باتلاق افغانستان در حال فرورفتن اند. از عراق زبونانه خارج شدند و در فلسطين و لبنان هم نه تنها توان ضربه زدن به نهضت مقاومت را ندارند كه مرتب، از سرپنجه هاي جمهوري اسلامي ايران سيلي هاي جانانه ميخورند.

د: انقلاب اسلامي وبيداري اسلامي

بيداري اسلامي كه از يكسال بدينسو كشورهاي عربي را فراگرفته است، ازپيامد هاي سه مورد فوق الذكر و ثمره حضور وادامه حيات قدرتمندانه نظام جمهوري اسلامي ايران تحت رهبري هاي داهيانه حضرت امام خامنه اي است.. اگرچه ممكن است برخي از افراد مغرض، اين خيزش عظيم مردمي در كشورهاي عربي را ناشي از عوامل ديگري القا نمايند، اما نگارنده وقتي با رهبران پير و جوان اين نهضت ها در تهران، يا سوريه و لبنان، ملاقات و ارتباط داشته، ديده است اين افراد به صراحت ابراز مي دارند كه از انقلاب امام خميني"ره" الهام گرفته اند واكنون به تاسي ازفرامين حضرت امام خامنه اي"زيدعزه الشريف" حركت كرده اند ونيز اخباروگزارش هاي رسانه اي ازكشورهاي انقلاب كرده ويادرحال خيزش، ثابت مي سازد كه حركت ها، اسلامي بوده و سر منشا اين بيداري هم، انقلاب عظيم اسلامي در كشور ايران مي باشد.

درپي به وجود آمدن همين بيداري است كه نه تنها غرب، برخي ازحاميان و عوامل منطقه اي خود را از دست داده كه در حال ازدست دادن باقي عوامل مزدور خود نيز مي باشد و اين دقيقا به معناي تضعيف جبهه استكبار و استعمار در منطقه و جهان و پذيرفتن شكست سردمداران آن به ويژه آمريكا وانگليس، است.

هم اكنون اين بيداري نه فقط كشورهاي اسلامي رافراگرفته كه تاثيرات خود را برجوامع غربي نيز گذاشته وموجبات اعتراضات آنان را نيز فرآهم اورده است

نتيجه:

بدينترتيب با يک مطالعه سرانگشتي اوضاع داخلي وخارجي ايران ازيكطرف و شرايط مختلف دشمنان نظام اسلامي در دنيا ازطرف ديگر، روشن مي شود كه جمهوري اسلامي ايران دراوج قدرت بوده، اما دشمنان آن درحضيض ذلت اند و از اين رو، دشمنان نه تنها نمي توانند كوچكترين خطري متوجه جمهوري اسلامي ايران كنند كه در آينده نه چندان دور، دست گدايي تقاضاي ارتباط و دوستي به طرف جمهوري اسلامي ايران دراز خواهند كرد.

در اين مجال، شايد اين سؤال پيش بيايد كه پس چرا غربي ها در تلاش هستند تا عليه ايران هياهو

ايجاد كرده و با شاخ وشانه كشيدن، تلاش كنند در اطراف ايران جابجا شوند، و از سوي ديگر، هواپيماهاي جاسوسي به فضاي هوايي ايران فرستاده و با تمام قدرت رسانه اي به جان جمهوري اسلامي ايران و سوريه به عنوان كشور متحد ايران افتاده اند؟ به گونه اي كه اين ذهنيت را براي عده اي بي خبر از اوضاع پديد آورده كه ممكن است امروز يا فردا، كار سوريه تمام شده و آنگاه نوبت به جمهوري اسلامي ايران برسد.

پاسخ اين سؤال خيلي آسان و راحت به نظر مي رسد وآن اينكه: وجود يک چنين شرايطي در جبهه غربي ها عليه ايران، ناشي از دستپاچگي و ترس آن ها از فروپاشي زود هنگام خودشان است.

چرا كه امام خميني"ره" با راه اندازي جنگ نرم عليه استكبار، خواب راحت را ازچشمان آن ها ربود و آنها هستند كه پي در پي سنگر از دست مي دهند و از همين رو، از يكسو با شاخ و شانه نشان دادن و از سوي ديگر آن را در بوق و كرنا كردن ازطريق رسانه ها، تلاش دارند فضاي رعب و وحشت عليه مسلمان ها و به ويژه جمهوري اسلامي ايران ايجادكنند تا از اين طريق، اگر نمي توانند مسلمان ها را وادار به عقب نشيني كنند، حداقل مواجه به توقف نموده و نگذارند ازاين بيشتر تمام هست و بود آنها را در معرض خطر و نابودي قرار دهند.

غربي ها اگر عملا مي توانستند كاري بكنند، مي كردند. چنانچه با به راه اندازي جنگ عراق عليه ايران، اين قصد خود را عينيت بخشيدند و يا با سازماندهي كودتاي نوژه و يا ترتيب دادن عمليات صحراي طبس و حمايت ازگروه هاي تروريستي مانند منافقين خلق و سپس انفجار ساختمان حزب جمهوري و همچنان نخست وزيري ايران وده ها و صدها عمل ديگر، نيات خود را به منصه ظهور رساندند، اما نتوانستند به هدف نهايي خود يعني براندازي نظام مقدس جمهوري اسلامي برسند، واكنون به كلي درمانده گرديده و مسلما در شرايط موجود، شواهد و قرائن نشان مي دهد كه عمر استكبار به پايان راه رسيده و زمان اقتدار ملت هاي مسلمان و آزاده فرا آمده است و به طور واضح وآشكار، جمهوري اسلامي ايران به رهبري ولي فقيه زمان، حضرت امام خامنه اي"زيدعزه الشريف" در مركز اين حركت عظيم استكبار ستيزي و ويران كننده كاخ ظلم و استبداد و فراهم شدن زمينه ظهور حضرت امام زمان(عج) و حكومت جهاني امام غايب، قرارخواهدداشت.

به اميد آن روز